

رشد جمعیت و اهمیت آمارهای حیاتی

علی اکبر رحمانی

هنگام بحث از جمعیت و رشد آن و آمارهای حیاتی که هر برنامه‌ای بر آن استوار است، علاوه بر مسائلی که در مجامع بین‌المللی مطرح می‌شود مسائل دیگری نیز وجود دارد که کمتر مورد اعتنا قرار گرفته‌اند. این مسائل خاص کشورهای معدودی مانند ایران است. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که کشورهای دیگر از این مسائل حمایت گسترده‌ای بکنند یا برای آنها راه حلی به دست دهند.

یکی از این مسائل توزیع ناعادلانه منابع سطح الارضی بین جمعیت جوامع است. به این مفهوم که جمعیت ساکن منطقه‌ای مانند ایران برای تأمین نیازهای اساسی مانند غذا به آب و خاک مناسب و کافی احتیاج دارد. توزیع این منابع در بین جمعیت کشورهای مختلف عادلانه نیست. ایران دیروز منطقه وسیعتری بوده است و چنان که می‌دانیم بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از آن منطقه وسیع در اثر دخالت بیگانگان از بیکر ایران جدا شده است. تصادفی نیست که بیشتر این مناطق از شرایط اقلیمی مناسبتری برای کشت و زرع برخوردارند. عدم توفیق

استعمارگران در استعمار کامل ایران آنها را به این فکر انداخت که با توسل به رذیلانه ترین ترندها و خیانت‌های بشری برای به زانو درآوردن کشور طریق تجزیه آن را پیش گیرند. همه ما می دانیم که مرزهای کنونی کشور کلاً با دست اجانب ترسیم و پیاده شده است، و آن هم در برهه هایی که غرور لطمه دیده استعمارگران جهانی در برخورد با ایران و تلاش در تسلط کامل به این کشور به اوج خود رسیده بود. آنها برای جبران عدم موفقیت خود با ایجاد جنگ و ناآرامی و سایر طرق غیرانسانی به این وسیله متوسل شدند تا اگر توفیقی در تسلط کامل نداشته اند، با وارد کردن این ضربات تا جایی که بتوانند مقاومت مردم ایران را در هم شکنند. همزمان با این اقدامات جامعه اروپا با به راه انداختن دریایی از خون بخشهای عظیمی از منابع سطح الارضی دنیا را در اختیار گرفته است. استرالیا، ایالات متحد آمریکا، کانادا، نیوزلند، افریقای جنوبی، برزیل و امثال اینها شواهد عمده این مورد هستند. قطعاً اروپاییانی که این مناطق را تصرف کرده اند نه تنها آنها را ملک طلق خود می دانند بلکه از ادامه تهاجم برای بلعیدن منابع سایر جوامع نیز منصرف نشده اند. به عنوان مثال انگلستان قرن هفتم که نمی توانست بیش از دو میلیون جمعیت را تغذیه کند با تصرف سایر مناطق و غارت مایملک ضعفاً نه تنها به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان تبدیل شد بلکه انبوهی از ساکنان جزیره را به نقاط دیگر فرستاد و یک سری کشورهای انگلیسی نشین ایجاد کرد. در مقابل، جوامع اسلامی با اتخاذ روش ملوک الطوائفی و توسل به کشتار یک دیگر راه تأمین نیازهای خود را به سادگی در نابودی مسلمانان دیگر جستجو کردند. این امر موجب شد که ایران دوره صفوی که ۳۵ میلیون جمعیت داشت در دوران افشاریه جمعیت آن به ۶ میلیون نفو تقلیل یابد ولی جزیره نشینان انگلیس نه تنها از دو میلیون به ۶۰ میلیون (در حال حاضر) رسیدند بلکه انبوهی از آنان در سایر نقاط دنیا سیر صعودی افزایش جمعیت خود را طی کردند و بخش قابل ملاحظه ای از منابع را در اختیار گرفتند. در حالی که مردم قانع و خداجوی ما با قناعت و نان و پنیر هم روی آرامش ندیدند.

امروز ما در کشوری زندگی می کنیم که فشار جمعیت بر خاک قابل کشت آبی آن حتی از کشورهای پرجمعیتی مانند هندوستان بالاتر است. ایران با رعایت حداقل سرانه های قابل قبول به ۲۹ میلیون هکتار اراضی زیرکشت آبی برای تأمین احتیاجات کشاورزی جمعیت

امروز خود احتیاج دارد. اما سطح زیرکشت آبی ما ۱۵، ۲، ۳، یا ۴ میلیون هکتار بیشتر نیست که همه آن نیز از نظر کشاورزی خاک درجه یک محسوب نمی شود. این مقدار سطح زیرکشت آبی به اندازه چند مزرعه کشاورزی در امریکای شمالی یا جنوبی است (۵، ۷ یا ۱۰ مزرعه). پس چگونه است که نظام سلطه جهانی و مردم متمدن و مرفه غرب حتی بعد از رسیدن به حد اشباع از نظر مالی، غذایی، علمی، تکنولوژیکی، و نظایر آن کماکان با تداوم اعمال تهدیدها، تحریکها و تجاوزات اندیشه ما را معطوف به اتخاذ تهیدات دفاعی می کنند تا فرصت توجه به سایر مسائل را پیدا نکنیم. با توجه به این مسائل راه چاره ما چیست؟ موضوع از دو جنبه قابل بررسی است. نخست، از بُعد داخلی و استفاده بهینه از منابع موجود با اعمال مدیریت صحیح، و دوم، از بُعد خارجی. در این بُعد باید با تلاش سیاسی و فرهنگی به دنیا بفهمانیم که مردم ایران حق مسلمی برگردن جامعه جهانی دارد و جامعه جهانی ادامه حیات خود و رفع مشکلاتش را مدیون تلاش و ایثار مردم ماست. کسی که زیگوراتهای ما را در شوش می بیند باید بداند که اینجا نخستین سیلوی جهان برای انبار غله بوده است و ایران خاستگاه کشاورزی دنیاست. کسی که بادگیر، قنات، سیستم آبیاری، معماری، کارخانجات ذوب مس و آهن قدیمی ما را می بیند باید به اهمیت و قیمت این اختراعات در زندگی بشری پی ببرد و در اندیشه خود جایی برای ایران فردا باز کند. اکثر کسانی که با ایران سر و کار دارند از دور مطلبی در مورد ایران می شنوند و کشور ثروتمندی را در نظر می گیرند که آماده باج ستانی و غارت است - خود ماینز همواره صورت خود را با سیلی سرخ نگه داشته ایم تا دیگران به عمق وضع ما پی نبرند و با این سیاست به تقویت اندیشه فوق کمک کرده ایم. آیا زمان آن نرسیده است که از قدرتمندان دنیا علت تداوم تلاش برای محو کامل ایران را بپرسیم. اگر از فروش مواد و منابع زیرزمینی برای لحظه ای صرف نظر کنیم، در تقسیمات اقتصادی جهان کدام مجال برای ایران در نظر گرفته شده است و ما برای ارائه در بازار جهانی چه داریم یا چه تولید می کنیم تا به اتکای آن بتوان به آینده جمعیت کشور امیدوار بود. نکته مهم دیگر نقش علمی و فرهنگی ایران در قبل و به ویژه بعد از اسلام و آثار آن بر تمدن جهان است. ما آرزومند ناهودی دیگران نیستیم ولی خود حق داریم که زنده بمانیم.

اکنون به آمارهای حیاتی می پردازم، ثبت رویدادهای حیاتی یک فعالیت دیرپای بشری

است. در داستانهای باستانی ما، ثبت این رویدادها مقدم بر زمان فریدون است که در تاریخ ادیان جلوتر از زمان حضرت موسی منظور شده است. در سایر کشورهای اسلامی اسناد به دست آمده از مصر نشان می‌دهد که نخستین ثبت رویدادهای حیاتی در زمان رامسس دوم از فراغت مصر انجام گرفته است که حکومتش مربوط به قرن چهاردهم قبل از میلاد است — یعنی حدود سه هزار و چهار صدسال قبل نیز رویدادهای حیاتی در مصر ثبت می‌شده است. عیناً در مورد کشورهایمانند عراق، چین و حتی روم شواهدی می‌توان پیدا کرد. در جهان اسلام اگر چه سابقه ثبت رویدادهایی از قبیل ازدواج، طلاق، تولد و مرگ معمول نبوده است و دقیقاً نمی‌دانیم که این امور از سال چندم هجرت آغاز شده است ولی اشاراتی در مورد وقوع عقد و طلاق از صدر اسلام موجود است. از مجموعه اسنادی که از اردن به دست آمده مشخص می‌شود که ثبت رویداد ازدواج در زمان جنگهای صلیبی متداول بوده است. در ایران اگر چه سوابق این امر گردآوری نشده است ولی دفاتر و عقدنامه‌های موجود نشان می‌دهند که قبل از تصویب قانون ثبت احوال نیز رویدادهای حیاتی ثبت می‌شده است. با این تفاوت که تولد و مرگ در مساجد و حسینیه‌ها و ازدواج و طلاق در محضر علما انجام می‌شده است.

اکثر مطالب مندرج در این دفاتر همان مطالبی هستند که امروزه نیز ثبت می‌شوند. در هر حال آن قانون اولیه ثبت در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی به تصویب مجلس وقت رسیده و از سال ۱۲۹۸ ثبت رویدادهای حیاتی در کشور آغاز شد. در سال ۱۳۰۳ قانون آمار و ثبت احوال به صورت یک سازمان وابسته به وزارت کشور تصویب و کار آن تحت پوشش ثبت آغاز شد. از آن تاریخ تا سال ۱۳۲۰ این سازمان به توسعه فعالیت خود و افتتاح ادارات شهرستانی ادامه داد و میزان پوشش ثبت تولد و مرگ را در سطح قابل قبولی انجام داد. بعد از این تاریخ به دلیل تسلط اجانب بر بخشهایی از جنوب و شمال کشور به این سازمان نیز ضربات سنگینی وارد آمد و مأموران ثبت یا ناگزیر فعالیت خود را در این بخشها تعطیل کردند، یا آمد و رفت آنها برای ثبت رویداد با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شد. این مشکلات باعث عقب ماندن سازمان از روند طبیعی توسعه، در چندین دهه متوالی شد. عدم توجه به اصلاح سازمان ثبت احوال اعم از ساختاری، پرسنی، تجهیزاتی و امکاناتی علت العلیل این وقفه محسوب می‌گردد.

پس از مدتها دولتهای وقت با دعوت از خارجیان سعی کردند که این سازمان را بازسازی کنند ولی این اقدامات با صرف هزینه های سنگین هرگز نتیجه مطلوب به بار نیاورد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به دلیل اولویت مسائل سیاسی، نظامی و اجتماعی کشور، کار ثبت رویدادهای حیاتی جدی گرفته نشد. ولی به تدریج اصلاح اساسی سیستم مورد توجه قرار گرفت مواردی مانند مکانیزه کردن و بهبود کیفیت آمارهای تولیدی در اولویت اهداف سازمان قرار گرفت.

لازم به یادآوری است که آمارهای تولیدی سازمان تا سال ۱۳۲۰ از کیفیت خوبی برخوردار بوده است. به همین دلیل نیز مردم این سازمان را به نام اداره آمار و ثبت احوال می شناسند.

سازمان ثبت احوال در کنار وظیفه ثبت رویدادهای حیاتی عهده دار رسالتهای دیگری است که اهمیت آن برای آحاد جامعه به دقت شناخته نشده است. از نظر قانونی صدور شناسنامه ایرانی برای هر فرد به مفهوم احراز هویت و تابعیت ایرانی و کلیه حقوق ذی ربط از قبیل حق استیفا و حق تمتع است. از نظر حقوقی بدون احراز این هویت نمی توان برای فردی حقی قائل شد. رسالت اجتماعی دیگر این سازمان تهیه و ارائه آمارهای جمعیتی به موقع است. به نحوی که قانوناً باید هر پانزده روز آخرین آمارها را تولید و ارائه کند. شاید این خصیصه موجب شده است که اکثریت جامعه هنوز هم سازمان ثبت احوال را تنها به نام اداره آمار بشناسند. بدیهی است که برداشت عمومی از آمار فقط سرجمع رویدادهاست در حالی که وقوع هر رویداد متضمن ویژگیهای خاصی است که در تهیه و رده بندی آمارها الزاماً باید منظور شود و بدون این ویژگیها آمارهای ارائه شده فاقد ارزش کاربردی است.

در جهت ادای این رسالت، سازمان ثبت احوال طی سالهای اخیر بیش از ۳۰۰ گزارش، فصلنامه آماری و جمعیتی تهیه کرده است. به عنوان مثال سازمان موفق شد که با ارائه نتایج طرح آمارگیری باروری تأثیر عوامل مؤثر بر آن را اندازه بگیرد. هیئت محترم دولت با استناد به نتایج به دست آمده علاوه بر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دستگاههایی چون وزارت آموزش و پرورش، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت ارشاد اسلامی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان صدا و سیما را به عضویت کمیسیون سیاستهای جمعیتی پذیرفت و

این دستگاهها به همراه سازمان ثبت احوال فعالیت خود را در این کمیسیون آغاز کردند .
 خوشبختانه این اقدامات و سایر اقدامات به عمل آمده موجب شد که کنترل رشد جمعیت طی
 سنوات اخیر از اهداف برنامه ای جلوتر یفتد و به حدود ۲ درصد در سال کاهش یابد .
 براساس آمارهای ثبت احوال در سالهای ۱۳۶۶ و بعد از آن تعداد متولدان سالانه کشور به
 ترتیب زیر تغییر یافته است :

۲۰۱۱۲۷۰	۱۳۶۵
۱۹۰۱۳۵۲	۱۳۶۶
۱۹۲۵۷۵۴	۱۳۶۷
۱۸۲۰۸۵۲	۱۳۶۸
۱۶۸۱۶۴۶	۱۳۶۹
۱۴۷۰۲۱۹	۱۳۷۰
۱۱۷۱۰۰۰	۱۳۷۱

موالید ثبت شده سه ماهه اول سال ۱۳۷۲ با رشد ۱٫۴٪ افزایش نسبت به سال ۱۳۷۱ و
 ۱۸٫۴۷ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۷۰ به تعداد ۳۵۲٫۶۸۳ مورد بالغ شده است .
 یادآوری می شود که رقم سال ۱۳۷۱ به دلیل اینکه تعدادی از متولدان ماههای آخر سال در
 اول سال جاری به ثبت رویداد اقدام خواهند کرد در ماههای بعد مختصری افزایش خواهد
 یافت .

به طوری که ملاحظه می شود از سال ۱۳۶۷ به بعد کمیت متولدان سیر نزولی طی کرده
 است و این نشان دهنده توجه مردم به مسئولیت اجتماعی خود است . به عبارت دیگر حتی با
 امکانات محدود فعلی مردم حتی المقدور به مسئولیتهای خود عمل می کنند و این رفتار آنها
 مسئولیت مسئولان اجرایی را به آنها گوشزد می کند .

سازمان ثبت احوال امیدوار است که با اجرای طرح پوشش کامل ثبت رویداد و بهبود
 کیفیت ارائه آمارهای تولیدی بتواند این بخش از رسالت اجتماعی خود را نیز به نحو احسن
 انجام دهد و نیازهای آماری جامعه را برآورد کند . بنابر همین وظیفه در حال حاضر طرح

گردآوری ویژگیهای سالمندان در حال اجراست که یک طرح ملی محسوب می‌شود. آمارهای تولیدی سازمان به تدریج جایگاه خود را در جامعه باز می‌یابد تا جایی که ارقام ارائه شده مورد تأیید و استناد مسئولان و مراجع علمی قرار دارد.

در اینجا مناسب می‌بینم که نکاتی چند در مورد آمارگیری از ویژگیهای سالمندان را به استحضار برسانم.

هر چند که جمعیت کشور ما جمعیتی جوان محسوب می‌شود، باید دانست که اولاً سالخوردگی جمعیت یک پدیده جهانی است، ثانیاً با کنترل موالید باید منتظر افزایش سالمندان در کشور بود. اما جدا از این مسائل تعداد جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر کشور ما در حال حاضر از ۳۲ میلیون نفر متجاوز است و اگر توجه کنیم که کل جمعیت تعدادی از کشورهای همسایه و کشورهای دنیا از این تعداد کمتر است، به اهمیت موضوع واقف خواهیم شد. اینکه جامعه ما تا چه حد به این بخش از جمعیت و نیازهای آن توجه دارد مسئله جداگانه‌ای است. یک مرور سطحی بر برنامه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که این قشر آسیب‌پذیر جامعه ما کمتر از سایر قشرها مورد توجه قرار دارند.

همه ما می‌دانیم که والدین جامعه ما در هر شرایطی که باشند، در قبال فرزندان خود ایثارگران واقعی هستند و هرگز بین خواست شخصی آنها و خواست آنها برای فرزندان نمی‌توان تفاوتی ملاحظه کرد. حتی در اکثر موارد نیازهای فرزندان به احتیاجات خود والدین غلبه دارد و هرگز زندگی آنها را مجزا از زندگی خود نمی‌دانند. از طرف دیگر همه ما از نتایج زحمات نسلهای پیشین برخوردار بوده ایم و ناگزیر باید به این زحمات ارج بگذاریم و پاسخ مناسب دهیم. سازمان ثبت احوال با توجه به فرصت استثنایی پیش آمده، در مورد تعویض شناسنامه این گروه از جمعیت ایران، اقدام به گردآوری ویژگیها و نیازهای آنان کرد.

خصوصیات گردآوری شده شامل خصوصیات فردی، وضعیت مالی، وضعیت تأمینی، وضعیت بهداشتی، مسائل و مشکلات خانوادگی، مشکلات عاطفی و سایر خصوصیات سالمندان است. این سازمان امیدوار است که با تولید و ارائه این آمار زمینه‌ساز ارائه خدمات لازم برای برطرف کردن نیازهای سالمندان باشد و برنامه ریزی برای آنان را تسهیل کند.

در هر سه نایبه دوفنر در دنیا متولد می‌شوند و جمعیت جهان که در سال ۱۹۵۰، ۲٫۵

میلیارد نفر بوده، در سال قبل به ۵٫۵ میلیارد نفر رسیده و در هفت سال آینده به ۶ میلیارد و ۲۵۰ هزار نفر، در سال ۲۰۲۵ میلادی یعنی ۳۳ سال آینده به ۸٫۵ میلیارد نفر خواهد رسید. در ایران نیز وضعیت افزایش جمعیت از متوسط دنیا بالاتر است و جمعیت ۱۰ میلیونی ۹۰ سال قبل اکنون به حدود شش برابر افزایش یافته است. در چنین وضعیتی امور جمعیت، افزایش آن، ترکیب و ساختار، استقرار در سرزمین، مهاجرت به خارج و داخل و مسائل متعدد مرتبط جدیت در پیش رو داریم و آمارهای حیاتی و انسانی و به خصوص ثبت وقایع حیاتی باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

